سر «سنگ» در سلمانی به سنگ خورد!

مرزبانان استان یک شرور مسلح را که مرتکب قتل، قطع عضو و نزاع مسلحانه شده بود، زمین گیر کردند

مهدی قرآنی

پرده اول: قبل از اصلاح

ردش را گرفته بودند. داخل یک آرایشگاه مردانه نشسته بود. هوا کم کم رو به تاریکی می‌رفت و رفت‌وآمدها هم کم شده بود. او همیشه مسلح و احتمال درگیری زیاد بود. از آنجا که پرونده به دلیل محل ارتکاب جرم که در شهر و مناطق مرزی رخ داده بود، به حوزه مرزبانی محول شده بود، حالا تیمی از عوامل اطلاعاتی هنگ مرزبانی سرخس در پی دستگیری این مجرم خطرناک بودند. مأموران باید حساب شده عمل می‌کردند تا بدون درگیری مسلحانه سوژه را زمین گیر کنند.

مشهور بود به «سنگ» و در پرونده اش از آدم‌کشی گرفته تا نزاع مسلحانه و ناامنی و قطع عضو چند بخت برگشته به چشم می‌خورد. مأموران که لباس شخصی پوشیده بودند بدون اینکه جلب توجه کرده باشند به عنوان مشتری یکی پس از دیگری وارد مغازه سلمانی شدند.

متهم اما روی صندلی آرایشگاه نشسته بود و آرایشگر مشغول اصلاح سرش بود. همه چیز طبق نقشه پیش می رفت و زمانی نکشید که مرزبانان متهم را قبل از اینکه موفق شود دست به اسلحه ببرد، دستگیر کردند.

پرده دوم: قتل ۲ جوان با وینچستر

کارش این بود که در فضای مجازی برای عالم و آدم شاخ و شانه بکشد. سرخس و مناطق اطراف آن را ملک شخصی خودش می‌دانست و می‌خواست همه از او حساب ببرند. او اواسط سال ۹۸ بود که جوان مردم را با شلیک گلوله وینچستر از پا درآورد و به قتل رساند. بعد از ارتکاب جرم خودش را گم و گور کرد تا مبادا دست قانون به او برسد. در این میان اما مدام از خودش فیلم می‌گرفت و ضمن تهدید مجریان قانون برای آن‌ها هم شاخ و شانه می‌کشید که هیچ وقت دستشان به او نمی‌رسد.

تحت تعقیب بود و پرونده قتل مرد جوان در محاکم قضایی بررسی و در نهایت منتهی به حکم شده بود. در این میان اما چند روستای مرزی در شهرستان سرخس از شرارت‌هایش در امان نبودند تا اینکه ماه پیش دومین قتل از سوی او رقم خورد. باز هم اسلحه وینچستر و باز هم جنایتی که فقط از سر شاخ و شانه کشی و گنده لاتی رقم خورد.

پرده سوم: قطع عضو با قمه و شمشیر

برایش فرقی نمی‌کرد که در دعواچه اتفاقی می‌افتد. دلش می‌خواست پیروز میدان باشد. برای همین هم در شش مورد از دعواهایی که در سرخس و روستاهای اطراف آن داشت چند نفر را مغلوب و آن‌ها را از ناحیه انگشت دست، دست، پا و... قطع عضو کرده بود.

خودش در رأس نزاع‌های مسلحانه قرار داشت و گروهی را هم اداره می‌کرد. کارش شده بود زدن و فرار کردن. در نزاع شرکت می‌کرد و مردم را به خاک و خون می‌کشید و بعد هم برای اینکه دست مأموران به او نرسد به شهری دیگر در استانی دیگر می‌گریخت. در این میان اما استوری‌هایش در اینستاگرام حامل این پیام بود که هرکاری دلش می‌خواهد انجام می‌دهد و کسی هم جلودارش نیست.

پرده آخر: جلب آدم کش فراری

سرآخر آنچه مردم انتظار داشتند رقم خورد. مرزبانان هنگ سرخس با هدایت مستقیم سرهنگ محمودی این شرور خطرناک را دستگیر و زمین گیر کردند. عملیاتی که فرمانده مرزبانی استان خراسان رضوی روز گذشته به تشریح آن پرداخت و گفت: عوامل اطلاعاتی هنگ سرخس از سال ۸۹ در پی یافتن این شرور خطرناک بودند اما با توجه به فرار او به شهرهای مرزی و مخفی شدنش در مکان‌هایی نامعلوم امکان شناسایی و ردزنی اش وجود نداشت.

سردار مجید شجاع افزود: از آنجا که متهم به انتشار چند فیلم از سوی خود با محتوای شاخ و شانه کشی برای قانون و دیگر گروه‌های اشرار در بستر فضای مجازی اقدام کرده بود، مأموران با استفاده از تجهیزات رایانه ای موفق به ردزنی او و موقعیت مکانی وی شدند. متهم که پس ارتکاب قتل در اردیبهشت امسال به شهرستان زابل گریخته بود با این خیال که آب‌ها از آسیاب افتاده و کسی در پی دستگیری وی نیست دوباره به سرخس بازگشت. در این بین اما بدون اینکه متهم متوجه شود و شک ببرد، زیر نظر مرزبانان استان قرار گرفت. کارا طلاعاتی مرزبانان هنگ سرخس ادامه داشت تا اینکه مأموران متهم را در یک مغازه آرایشگری دستگیر کردند. در بازرسی بدنی متهم یک قبضه کلت کمری به همراه یک خشاب حاوی هفت فشنگ جنگی مرزبانان کشف و ضبط شد.

این مقام ارشد مرزبانی استان خراسان رضوی ادامه داد: متهم دستگیر شده جوانی ۲۷ ساله و از اوباش سطح یک شهرستان سرخس است. این شرور خطرناک دارای یازده فقره پرونده مفتوح و همچنین مباشرت در دو فقره قتل در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ است. سابقه شش فقره نزاع مسلحانه منجر به قطع عضو، سه فقره زورگیری مسلحانه، حمل اسلحه غیر مجاز جنگی، تعدی و تمرد از موارد پرتکراری است که در پرونده این شرور خطرناک ثبت شده است.

به گفته سردار شجاع این متهم بلافاصله پس از دستگیری در اختیار مرجع قضایی قرار گرفت و با دستور بازپرس پرونده راهی زندان شد.

عکس: معاونت اجتماعی مرزبانی استان خراسان رضوی

دام پلیس برای سارقان و موادفروشان توس

خبر

سیرجانی| مأموران انتظامی کلانتری معراج در اجرای طرحی ۷۲ ساعته که با محوریت مقابله با عاملان تهیه و توزیع مواد مخدر و سارقان خیابانی به اجرا درآمد در چند عملیات ضربتی با هماهنگی مقام قضائی مناطق آلوده در حوزه استحفاظی خود در بولوار توس را پاک سازی کردند.

فرمانده انتظامی مشهد در توضیح جزئیات این پرونده گفت: در این عملیات مجریان قانون ضمن دستگیری ۹ عامل توزیع مواد افیونی در بازرسی از مخفیگاه آن‌ها یک کیلو و ۲۰۰ گرم انواع مواد مخدر صنعتی و سنتی به صورت بسته بندی شده را به همراه ابزار و ادوات توزین و استعمال مواد افیونی کشف کردند.

سرهنگ حسین دهقانپور افزود: در بخش دیگری از این عملیات نیز ۹ متهم به سرقت دستگیر شدند. این افراد به سه فقره سرقت وسایل خانه، ۹ فقره سرقت خودرو و قطعات و محتویات داخل خودرو اعتراف کردند. همچنین دو دستگاه خودرو مسروقه در این مأموریت کشف و توقیف شد.

سرقت میلیاردی از خانه یک مشهدی

خبر

رئیس پلیس آگاهی استان خراسان رضوی از دستگیری عاملان سرقت چند میلیاردریالی از خانه یک شهروند مشهدی، خبر داد.

سرهنگ جواد شفیع زاده در توضیح جزئیات این پرونده گفت: در پی مراجعه یکی از شهروندان به پلیس آگاهی مبنی بر سرقت وسایل خانه اش، پیگیری موضوع در دستور کار کارآگاهان پایگاه ثامن پلیس آگاهی قرار گرفت. این مقام ارشد پلیس آگاهی استان افزود: کارآگاهان پلیس پس از تکمیل تحقیقات اولیه و با اشراف اطلاعاتی و رصد میدانی، متهمان این پرونده که دو مرد جوان بودند را شناسایی کردند و در مخفیگاهشان به دام انداختند.

سرهنگ شفیع زاد ادامه داد: مأموران در بازرسی از مخفیگاه متهمان اموال مسروقه شامل تابلوفرش نفیس، پنکه، جاروبرقی، آمپلی فایر و... به ارزش ۱۰ میلیارد ریال را کشف و تحویل مال باخته دادند. دو متهم نیز پس از تشکیل پرونده برای ادامه تحقیقات در اختیار دادسرا قرار گرفتند.

روی خط حادثه

قاچاق موادمخدر در پوشش مسافر

سهیل دیبا| چهار نفر بودند و هر کدام در یک گوشه اتوبوس نشسته بودند تا کسی متوجه نسبت داشتن آن‌ها با هم نشود. اتوبوس که به یکی از پایگاه‌های پلیس در بین راه رسید، مأموران انتظامی پاسگاه هلالی و پلیس مبارزه با مواد مخدر بجستان برای بررسی اتوبوس وارد آن شدند. مأموران که به چند مسافر مشکوک شده بودند، این افراد را از خودرو پیاده کردند. مسافران در برابر ظن مأموران نتوانستند پاسخ درستی بدهند و همین موضوع موجب شد تا بازرسی از وسایلشان در دستور کار قرار بگیرد. مأموران انتظامی در بازرسی از وسایل این مسافران که یک کوله پشتی و چند ساک بود، موفق شدند ۴۲ کیلوگرم تریاک که به طرز ماهرانه ای جاسازی شده بود را کشف کنند. متهمان پس از تشکیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی معرفی شدند.

کشف ۱۱ دستگاه استخراج ارز دیجیتال

ابوعطا| مأموران پاسگاه انتظامی سرهنگ با اشراف اطلاعاتی و اقدامات گسترده خود از فعالیت غیرقانونی فردی مبنی بر استخراج ارز دیجیتال در سطح حوزه استحفاظی شهرستان تربت حیدریه مطلع شدند. مأموران انتظامی پس از اطمینان از صحت موضوع و هماهنگی با مقام قضائی به محل اعزام شدند که در بازرسی از این مکان یازده دستگاه استخراج ارز دیجیتال قاچاق و متعلقات آن‌ها را کشف کردند. کارشناسان ارزش ریالی دستگاه‌های کشف شده را ۴ میلیارد و ۴۰۰ میلیون ریال برآورد کرده‌اند. در این زمینه یک متهم دستگیر و پس از تشکیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی تحویل مراجع قضائی شد.

سرقت سریالی موتورهای رهاشده در پیاده‌روها

محمدجواد ابوعطا| دو نفر بودند. یکی اول خودش را به عنوان یک عابر پیاده به موتورسیکلت رها شده در حاشیه پیاده روها می‌رساند و با تظاهر به خستگی روی موتورسیکلت می‌نشست. دیگر همدستش نیز در همان حوالی پرسه می‌زد تا صاحب احتمالی موتورسیکلت را پیدا کند. اگر مالک موتورسیکلت به نشستن این فرد روی موتورش اعتراض نمی‌کرد، آن‌ها مرحله دوم اقدام مجرمانه شان را که سرقت موتورسیکلت بود اجرایی می‌کردند و در چند ثانیه موتور را روشن می‌کردند و از محل متواری می‌شدند. با اعلام چندین شکایت به پلیس نیشابور، کارآگاهان پلیس آگاهی این شهرستان خود را با یک پرونده سریالی روبه رو دیدند که نحوه و شگرد به کار رفته در تمامی سرقت‌ها یکسان بود. تیم رسیدگی کننده به پرونده در تحقیقات فنی خود به یک متهم سابقه دار مظنون شدند و وی را با هماهنگی مقام قضایی در یک عملیات غافل گیرانه دستگیر کردند. این فرد در روبارویی با پلیس به پنج فقره سرقت موتورسیکلت با همدستی یک نفر دیگر اعتراف کرد که متهم بعدی نیز در عملیاتی جداگانه دستگیر شد. در این زمینه یک مال خر اموال مسروقه نیز دستگیر شد و تحقیقات از متهمان برای کشف دیگر سرقت‌های احتمالی ادامه دارد.

۱۴ کشته در تصادف دل‌خراش نیکشهر

گروه حوادث| در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر برخورد شدید دو دستگاه خودرو سواری پژو در کیلومتر ۴۵ محور نیکشهر به چابهار، مأموران انتظامی و امدادی در محل حادثه حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد دو دستگاه سواری پژو ۴۰۵ به صورت رخ به رخ با یکدیگر برخورد کرده اند و یکی از این خودروها آتش گرفته است. در این حادثه دل خراش یازده نفر از سرنشینان این خودروها در دم فوت کردند و سه نفر دیگر با تلاش نیروهای امدادی به بیمارستان منتقل شدند، اما این افراد نیز به علت شدت جراحات جان باختند. سرهنگ کول زاده، رئیس پلیس راه جنوب استان سیستان و بلوچستان در این باره به صدا و سیما گفت: بنابر اعلام نظر کارشناسان تصادفات پلیس راه، علت تامه این حادثه دل خراش تجاوز به چپ یکی از دو خودرو ۴۰۵ بوده است.

عکس خبری

نجات ۶ شهروند از مهلکه سوزان

ابوعطا| دیروز چند حادثه آتش سوزی در مشهد رخ داد. حوادثی که هر کدام می‌توانست به قیمت جان شهروندان تمام شود، اما آتش نشانان با حضور به موقع و انجام اقدامات فنی توانستند جان شش شهروند را از این مهلکه برهانند و آتش را خاموش کنند. اولین حادثه مرتبط با آتش سوزی یک منزل مسکونی در خیابان ولیعصر بود. با حضور امدادگران مشخص شد که حادثه در طبقه همکف یک ساختمان چند طبقه رخ داده و دو زن نیز درون آتش محبوس شده اند. آتش نشانان هم زمان با نجات جان این افراد از سرایت آتش به اطراف نیز جلوگیری کردند. این حادثه خسارات مالی سنگینی بر جای گذاشت. دیگر حادثه ای که امدادگران سه ایستگاه آتش نشانی را به خیابان هدایت کشاند، مربوط به آتش سوزی در ایستگاه راه پله طبقه سوم یک آپارتمان بود. در این حادثه چهار نفر از اعضای یک خانواده درون منزل گرفتار شده بودند که امدادگران هم زمان با نجات این افراد، آتش را نیز خاموش کردند. علت اولیه این حادثه استفاده از مواد اشتعال پذیر در مجاورت آب گرمکن در راه پله از سوی پدر خانواده اعلام شده است. دیروز هم یک تراشکاری در بولوار رسالت شمالی به دلایلی نامعلوم دچار حریق شد. احتمال وقوع انفجار منجر به حضور امدادگران شد و آتش نشانان توانستند پیش از سرایت آتش به واحدهای دیگر یا انفجار، آتش را مهار کنند. در این حادثه به کسی آسیبی نرسید، اما خسارات مالی زیادی به تجهیزات این کارگاه تراشکاری وارد شد.

صدای مشاور

ستون صدای مشاور جایی برای بیان پرسش‌ها و مشکلات حقوقی شما شهروندان است که می‌توانید آن‌ها را با ما در میان بگذارید و پاسخ پرسش‌های حقوقی خود را از قضات دادگستری، وکلا و کارشناسان حقوقی دریافت کنید.

پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
تلفن: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵

ماده ۶۶ قانون تأمین اجتماعی چیست؟

رعایت قانون از دشواری‌های بعد از حادثه می‌کاهد

فرزانه عمادی| یکی از مهم‌ترین موارد حقوقی که با آن روبه رو هستیم آسیب و از کارافتادگی کارگران، پیمانکاران و کارکنان اجرایی در کارگاه‌ها می‌باشد که در صورت نداشتن بیمه مسئولیت مدنی کارفرما در قبال کارکنان می‌تواند تبعات مالی سنگینی برای آن شرکت داشته باشد. طبق ماده ۶۶ قانون تأمین اجتماعی اگر از سوی مراجع ذی صلاح ثابت شود که وقوع حادثه و بروز بیماری منجر به از کارافتادگی، ناشی از رعایت نکردن مقررات حفاظت فنی و بهداشتی و احتیاط لازم از طرف کارفرما یا نمایندگان او بوده، هزینه‌های مربوط به معالجه و غرامات و مستمری‌ها و غیره از سوی سازمان تأمین اجتماعی پرداخت می‌شود. ولی طبق ماده ۱۵۰ این قانون از کارفرما مطالبه و وصول می‌شود.

بنابراین کارفرمایان باید قبل از بروز هر حادثه‌ای، از کارگر قرارداد مکتوب با امضا و اثر انگشت داشته باشند. در این قرارداد باید همه موارد ایمنی و قانون کار ذکر شود و حتی ابزار آلات ایمنی که در اختیار او می‌گذارند را نام ببرند. در این حالت در صورت وقوع حادثه، این امر تخطی کارگر خواهد بود و کارفرما مشمول خسارت ماده ۶۶ قانون تأمین اجتماعی نمی‌شود. در غیر این صورت کارگر حادثه دیده و یا وراث وی (در صورت فوت کارگر) می‌توانند از کارفرما برای بیمه نکردن کارگر شکایت کنند.

داستان جنایی

مثل دقیقه‌های جهنم (قسمت آخر)

ایلیا موسایی| زن یکهو جیغ کشید و داخل اتاقک ماشین مثل زمانی که مسیر از داخل تونل عبور می‌کند تاریک شد. تمام پهنای شیشه جلو سیاه شده بود. مرد گفت «چیزی نیست» صدای ممتد بوق ماشین‌های پشت سر بلند شد. مرد گفت «چادرشه... از زیر پژو افتاد تو خیابون» زن گفت «به خدا وقتی تصورش رو می‌کنم ترس برم می‌داره» مرد گفت «همه این مسیر اون زیر چسبیده... می‌ترسم یهو خودش از زیر ماشین ول بشه و زیرش بگیریم» زن گفت «خب بوق بزن براش نگه داره» مرد گفت «وایسا...» شیشه را داده بود پایین و با دستش چادر را از روی شیشه می‌کشید. گفت «همه مسیر از پشت بهش چراغ دادم... فایده نداره... حتما ترسیده که زده و در رفته... الانم قصد نداره وایسه» حالا دوباره داخل ماشین روشن شده بود. مرد چادر مچاله را سمت زن گرفت «بذار کنارش... حالش خوب شد بدیم بهش» فرزانه گیج و منگ صداها را می‌شنید. به او نوشیدنی دادند. فقط طعم شیرینش را می‌فهمید ولی نمی‌دانست آب چه میوه‌ای است. مرد گفت «شماره پلاکش رو بردار... با گوشی ات زنگ بزن ۱۱۰» زن گفت «چه فایده... مگه چیکار می‌تونن بکنن؟!» مرد گفت «شیطونه می‌گه برم بچسبم به سپرش آروم بزنم بهش که مجبور بشه وایسه... ولی می‌ترسم ماشینش تکون بخوره و اون بنده خدا ول بشه روی آسفالت» بعد گفت «من مونده‌ام چه جوری و با چه قدرتی تونسته همه این مسیر خودشو اینجوری نگه داره» زن گفت «برو کنارش... از شیشه داد می‌زنیم می‌گیم یکی زیر ماشینته» مرد گفت «این ماشینای کناری امون نمی‌دن... همه هم سرعتا بالا» زن گفت «کی باورش می‌شه یکی این طوری گیر افتاده باشه زیر ماشین» فرزانه بی امان گریه می‌کرد. خودش هم نمی‌دانست چرا... زن مدام او را باد می‌زد. زن گفت «تو خودت دیدی چی شد؟ نفهمیدی چطوری اون پایین گیر کرد؟» مرد گفت «ندیدم... این یکی حالش چطوره؟» زن گفت «خوبه... نمی‌دونم شوکه شده یا ترسیده... همین طوری داره ناله می‌کنه» مرد گفت «یکی اونجا بود می‌گفت دیده... ماشینه می‌زنه به دوتاشون و همونجا وامیسته. اون یکی خانمه زیر سپر بود. بعد نمی‌دونم چی می‌شه که طرف می‌ترسه و می‌خواد فرار کنه... همون جوری گازشو می‌گیره و می‌ره. اون خانمه هم گیر می‌کنه زیر ماشین» زن گفت «خدا ازش نگذره» مرد گفت «اینم هست که طرف نمی‌تونسته خانمه رو ببینه... حساب کن زیر ماشین بوده» بعد زد روی فرمان «اه... گمش کردم» زن گردن کشید که ماشین‌های جلو را ببیند. یک کامیون خاور بین آن‌ها و ماشین‌های دیگر حائل شده بود و دود سیاه اگزوزش مستقیم راه می‌کشید داخل. زن گوشه روسری اش را روی دهانش گرفت «خفه مون کرد» مرد یکهو شیشه را پایین کشید و داد زد «آقا بزن کنار... اون بنده خدا زیر ماشینت گیر کرده» بعد حواسش را داد به جلو و دوباره داد زد «بزن کنار» وسط آن همه صدای بوق و راننده‌هایی که بدوبیراه می‌گفتند و رد می‌شدند، ماشین توقف کرد. حالا فرزانه چشم‌هایش را باز کرده بود و از پشت شیشه نگاه می‌کرد. چشم‌هایش رمق نداشت. آفتاب داغ پیشانی اش را گرم می‌کرد و سردردش شدیدتر می‌شد. آمبولانس کنار ماشین نقره‌ای ایستاده بود و همه نشسته بودند تا زیر ماشین را ببینند. بعد دیدکه فهیمه را کشیدند بیرون و لباس‌هایش دوده گرفته بود. او را روی برانکارد گذاشتند و وقتی درهای آمبولانس رویش بسته می‌شد فرزانه اشک می‌ریخت. بعدها فهیمه تعریف می‌کرد که همه آن مدت مثل دقیقه‌های جهنم بر او گذشته بود. دست‌هایش نداشتند. نمی‌توانست به راحتی نفس بکشد. رد لوله اکسیژن داغ هم تا همیشه روی ساق پایش ماند.

پایان